

شاپا چاپی: ۳۶۷۴ - ۲۷۱۷
شاپا الکترونیکی: ۳۶۶۶ - ۲۷۱۷

نشریه علمی
آینده پژوهی انقلاب اسلامی
(بهار ۱۴۰۰، سال ۲، شماره ۱: ۱۰۸ - ۷۹)



ارائه چارچوب مفهومی آینده‌اندیشی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله‌العالی)

بهنام افطاری*، امید وقوفی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵

چکیده

توجه ویژه به آینده یکی از نیازهای هر انسان و جامعه‌ای است. ما به عنوان یک مسلمان با توجه به آیات و روایات مربوط به این زمینه، تعاریف مشخصی از آرمان‌شهر داشته و معتقدیم آرمان‌شهر اسلامی همان حیات طیبه و جامعه مهدوی است. با توجه به اعتقادات مسلمانان و به خصوص شیعیان، وظیفه اصلی یک شیعه آماده‌سازی جامعه و خود برای چنین آرمان‌شهری است. این آینده روشن و وعده داده شده ساختنی و دست‌یافتنی است. در دوران غیبت کبری، وظیفه ولایت فقیه هدایت جامعه به سمت زمینه‌سازی ظهور است. مقام معظم رهبری با ترسیم نقشه راه رسیدن به چنین هدفی، پنج مرحله اصلی را: انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی ذکر کرده‌اند. در این مقاله با روش مرور بر ادبیات و اسناد و تحلیل گفتمان بیانات ایشان در رابطه با آینده استخراج و چارچوبی مفهومی برای تبیین آینده‌اندیشی از منظر ایشان ارائه شد که شامل مؤلفه‌های مختلفی از جمله ملزومات، زیرساخت‌ها، پیشران‌ها و موانع، افق بلندمدت و دامنه وسیع و ترسیم حیات طیبه و جامعه مهدوی است. در هر کدام از این مؤلفات می‌توان موارد و موضوعاتی را مشخص کرد که نیازمند تمرکز و توجه بیشتر است.

کلیدواژه‌ها: آینده‌اندیشی؛ آینده پژوهی؛ تمدن نوین اسلامی؛ ولایت فقیه؛ اسلام

behnam.eftari@gmail.com

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

voghofi@gmail.com

** استادیار، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

مقدمه

جهان حاضر به صورت مستمر در حال دگرگونی و تغییر است و این تغییرات با توجه به عناصر و عوامل مختلف، جهت‌ها و سمت‌های متفاوتی را در پیش گرفته است. مسئله قابل توجه این است که برهم خوردن نظم نوین بعد از جنگ جهانی دوم، تقریباً قطعی و مسلم شده و نظمی جدید در حال تکوین است. امپراتوری‌های استکباری به شدت دوره افول تدریجی را طی می‌کنند و اندیشمندان خارجی نیز بر این مهم صحه گذاشته و مجموعه‌ای از عناصر درونی و بیرونی فرسایش قدرت در این عرصه را می‌توان مشاهده کرد (لطفی مرزناکی، ۱۳۹۴). مقام معظم رهبری در تعبیری صریح و آینده‌نگرانه در این رابطه می‌فرماید: «جهان در حال گذار از یک پیچ تاریخی بسیار مهم است. انتظار می‌رود که نظمی نوین در حال تولد یافتن باشد» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۹۱/۰۶/۰۹).

توجه به آینده و برنامه‌ریزی برای ساخت آینده مطلوب جزئی از تمام ادیان و ایدئولوژی‌هایی است که هر یک جهان را به سوی می‌برند. در این میان، اسلام که دین خاتم پیامبران (ص) است و به تبع آن عالمان و رهبران دینی به ترسیم آینده مطلوب، الزامات و زیرساخت‌های مورد نیاز برای رسیدن به آن آینده، پیشران‌ها (موانع) و همچنین افق و دامنه آینده‌اندیشی و ترسیم جامعه مهدوی به عنوان آینده مطلوب و قطعی، بر اساس آیات و روایات همت گماشته‌اند.

بررسی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری و استخراج موارد مربوط به آینده‌اندیشی از بیانات و نوشتارهای ایشان از ملزومات حرکت و برنامه‌ریزی آگاهانه در خط انقلاب اسلامی است. هر چه افق دید انسان به رهبری نزدیک باشد، در واقع، در پیاده‌سازی منویات ایشان و زمینه‌سازی ظهور امام مهدی عج و آینده مطلوب زندگی انسان است.

به بیان ایشان: «اکنون رویش‌های انقلاب اسلامی بر ریزش‌ها غلبه کرده و نسل جوان و انقلابی در سراسر کشور، نویدبخش آینده‌ای روشن و همراه با پیشرفت هستند. این نسل نو باید بر افق‌های دور و آینده، که همان تشکیل تمدن نوین اسلامی است، متمرکز شود و فقط آینده نزدیک و جلوی پای خود را نبیند.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۹۳/۰۲/۳۱).

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

جیمز دی‌تور آینده را از درهم‌کنش چهار مؤلفه رویدادها، روندها، تصویرها و اقدام‌ها می‌داند (بنیاد توسعه فردا، ۱۳۹۲).

احساس ترسیم آینده، دغدغه اصلی بشر بوده و با شروع جنگ سرد این مسئله شکل جدی‌تر به خود گرفت. تقریباً از دهه ۴۰ میلادی، آینده‌پژوهی پیشرفته با توجه به احساس نیاز شدید انسان به دانستن از آینده و غلبه بر ناپایداری‌ها، آرام‌آرام شکل گرفت. البته پیش از آن ادبیات «آرمان‌شهر» و «ویران‌شهر» شکل گرفته بود. داستان‌های علمی-تخیلی مرسوم بود و در واقع همین افراد زمینه‌ساز حرکت بزرگ آینده‌پژوهی عصر حاضر به‌عنوان رشته‌ای دانشگاهی بودند (خزایی، ۱۳۹۲).

آینده‌پژوهی در وهله نخست می‌کوشد تا براساس رویکردهای اکتشافی آینده‌های بدیل را کشف و شناسایی کند، در این رویکرد هنجارها و ارزش‌ها جایی ندارند و انسان به‌صورت منفعل برخی از آینده‌های محتمل را پیش‌بینی می‌کند. آینده‌پژوهی آینده را متعین، محتوم و قطعی نمی‌داند، بلکه آن را بدیل تصور می‌کند. آینده‌های بدیل حالت‌هایی از آینده است که با توجه به شدت و ضعف عوامل سازنده آنها، می‌توانند به‌صورت جایگزین هم پدید آیند. آینده‌پژوهی با رویکرد هنجاری و ارزشی از بین آینده‌های بدیل به آینده‌های مطلوب و مرجح می‌اندیشد و در واقع ساخت و معماری آینده‌های دلخواه و مطلوب را مدنظر دارد (شکل ۱).



شکل ۱. انواع آینده از منظر آینده‌پژوهی (حیدری ۱۳۹۲)

آینده‌های ممکن عبارتند از تمام آینده‌هایی که می‌تواند محقق شود و درک تمامی آنها متناقض با علم و دانش فعلی بشر است. آینده‌های باورکردنی با باورهای انسان سازگارند و منطبق با اصول و دانش امروزی ما هستند. آینده‌های مرجح یا مطلوب آن دسته از آینده‌ها هستند که برای ما مطلوبند و برخلاف سه نوع دیگر که دانش شناختی‌اند، اینها برانگیزاننده، ارزشی و ذهن‌گرا هستند و ماهیتی عینی‌گرا ندارند. به همین علت ممکن است دو چشم‌انداز تدوین شده برای دو کشور مختلف باهم در تضاد باشند؛ چراکه هر کشور، آینده مطلوب خود را مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های خود تصور کرده است (نبی‌پور ۱۳۹۰ و حیدری ۱۳۹۲).

رهبران ملت‌ها باید دارای نگاه و تفکر راهبردی و کلان باشند تا بتوانند جامعه و کشور را در محیطی واقعی و پویا به سمت آینده مطلوب خود هدایت نمایند. نگاه و تفکر رهبر معظم انقلاب دارای ماهیتی نزدیک به آنچه در منابع علمی به آن تفکر راهبردی و نگاه کلان می‌نامند، می‌باشد. در اندیشه ایشان برای تحلیل هر حادثه و موضوعی عناصر راهبردی و کلان باید مدنظر قرار گیرد و با مؤلفه‌های سه‌گانه تفکر و نگاه راهبردی تحلیل شود و برای آن طرح و ایده و راهکار اندیشید و باید آرمان‌گرایی و واقع‌بینی را به‌عنوان شیرین‌ترین قانون زندگی و جامعه برای ساختن آینده مطلوب ترکیب و همراه کرد که مفهوم عملیاتی آن حرکت مجاهدانه مدبرانه است (مقیسه، مؤمنی زاهد و مقرونی و یوسفی، ۱۳۹۲).

باید گفت آرمان و هدف غایی در فرایند اسلامی‌سازی جامعه، تفقه و استنباط حقایق و آموزه‌های اصیل دین اسلام، فهم و تفسیر روزآمد آن براساس اراده شارع مقدس و تبیین ائمه اطهار علیهم‌السلام، سپس تبدیل فهم‌ها و استنباط‌ها به پیام‌ها و تفسیرهای به‌روز موقعیتی، عصری و موضوعی و ترویج آنها میان جامعه و سرانجام اقبال، باور و عمل به این پیام‌ها ازسوی مکلفان در سطوح فردی و اجتماعی است. نتیجه این باور و عمل به پیام‌های دین اسلام ناب، در قالب فرهنگ و تمدن اسلامی تجلی خواهد کرد (احمدی ۱۳۸۶).

آرا و اندیشه‌های مقام معظم رهبری و امام خمینی (ره) در رابطه با آینده در موارد مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. بسیاری از محققان به جمع‌آوری و ارائه مباحث مختلف با استفاده

از بیانات ایشان در این مدت پرداخته‌اند که با یک جستجوی ساده قابل مشاهده هستند: از آن جمله می‌توان به کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»، مقاله «الزامات آینده انقلاب اسلامی از نگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری»، مقاله «آینده در کلام امام و رهبری»، کتاب «کتاب فرایند تحقق انقلاب اسلامی در اندیشه امام خامنه‌ای»، نشریه «خط حزب‌الله» و ... اشاره کرد.

تفاوت اصلی مقاله حاضر با پژوهش‌های ارائه‌شده در این زمینه را می‌توان موضوع پژوهش (ارائه چارچوب آینده‌اندیشی) دانست. به‌عنوان مثال، پژوهشگر در مقاله «الزامات آینده انقلاب اسلامی از نگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری» با استفاده از بیانات ایشان صرفاً به بیان الزامات آینده انقلاب اسلامی پرداخته و به ارائه یک چارچوب آینده‌اندیشی از منظر رهبران انقلاب اسلامی نپرداخته است. در این پژوهش الزامات در شش حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، فرهنگی، سیاسی اجتماعی (نقش مردم در آینده‌سازی)، روابط بین‌الملل، مدیریتی و دفاعی دسته‌بندی شده و در انتها نیز به فرایند ظهور منجی بشریت پرداخته شده است (شیداییان، ۱۳۸۶).

همچنین پژوهشگر در مقاله «انقلاب اسلامی و چیستی نظام آینده جهانی» به تبیین این مفهوم می‌پردازد که کدام یک از نظریه‌های آینده جهان، پایان تاریخ (فوکویاما)، جنگ تمدن‌ها (هانتینگتون) و حکومت مستضعفان (امام خمینی (ره))، که در سه دهه گذشته مطرح شده‌اند، ظرفیت و توان لازم برای تأسیس یک نظام جهانی را داراست. پس از بررسی نظریات فوق به این نتیجه می‌رسد که حکومت مستضعفان اسلامی رهاورد وحی الهی، بعثت انبیا و امامت اولیاست که عقل و فطرت اصیل انسانی بر آن مهر تأیید می‌زند. احیای مجدد این حکومت که نویددهنده جهانی شدن تمدن اسلامی است، در سه دهه اخیر مدیون اندیشه‌های امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی است. امام بارها و به شکل‌های مختلف بر ضرورت قیام و یا تأسیس حکومت از سوی مستضعفان تأکید کرده است. پژوهشگر در این مقاله مشخصه‌های حکومت مهدوی را برمی‌شمارد و در واقع به بیان آینده مطلوب پرداخته و به ارائه یک چارچوب آینده‌اندیشی از منظر رهبران انقلاب اسلامی نپرداخته است (شیرودی، ۱۳۸۶).

البته در مقاله حاضر، بیانات ایشان و همچنین منابع اشاره‌شده مورد بررسی قرار گرفته است و سعی در ارائه چارچوبی مفهومی از آینده‌اندیشی از منظر ایشان شده است.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش مرور بر ادبیات و در واقع مرور بیانات رهبری و همچنین استفاده از روش کیفی تحلیل گفتمان و تحلیل اسناد است. ریشه واژه گفتمان از فعل یونانی *discurrere* به معنای حرکت سریع در جهات مختلف می‌باشد (عضدانلو ۱۳۹۲).

با نظر به سه رویکرد زبان‌شناسی ساخت‌گرا، نقش‌گرا و انتقادی، می‌توان به سه بعد اصلی گفتمان دست یافت. این سه بعد عبارتند از: کاربرد زبان، برقراری ارتباط میان باورها و تعامل در موقعیت‌های اجتماعی. وظیفه و هدف اصلی مطالعه گفتمان، فراهم آوردن توصیفی یکپارچه از این سه بعد است، به طوری که تأثیر و تأثرات آنها را بر یکدیگر در کانون بررسی قرار می‌دهد.

روش تحلیل گفتمان (*Discourse analysis*) روشی است که در جریان مطالعات میان‌رشته‌ای در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی ادراکی، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم سیاسی و سایر گرایش‌ها و رشته‌های علوم انسانی به عنوان روشی نوپا، به کار گرفته شد. تحلیل گفتمان، روشی است، برای پژوهش در باب متون ارتباطی نظیر کتب، سخنرانی‌ها، نشریات، دست‌نوشته‌ها، خاطرات، سخنرانی‌ها، فیلم‌ها و ... و نیز هرآنچه که در آن زبان کاربرد دارد. تحلیل گفتمان، روشی کیفی است که از اصلاح روش‌های اولیه تحلیل رسانه‌ها به دست آمده است؛ اصطلاحی که برخوردار از شالوده زبان‌شناسی است.

روش تحلیل گفتمان از جمله روش‌های عمده مشاهده اسنادی است که می‌توان متون نوشتاری و شفاهی را با در نظر گرفتن شرایط زمانی آن مورد تحلیل و ارزیابی دقیق و منظم قرار داد. تحلیل گفتمان هم روشی است برای تحلیل کیفی داده‌ها و هم روش مشاهده اسناد؛ اما به جای مشاهده مستقیم رفتار مردم یا پرسش در مورد آن، به ارتباطاتی که آنان به وجود آورده‌اند و پیام‌هایی پدید

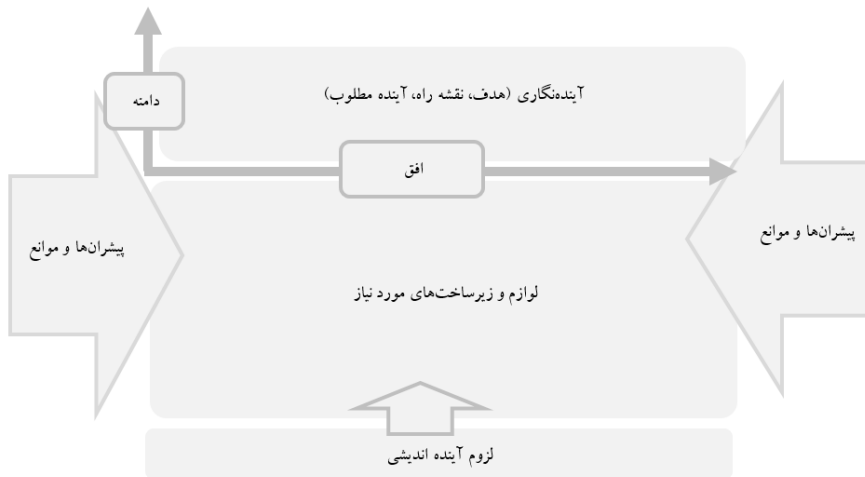
- آورده و مبادله می‌کنند، توجه کرده و آن را مورد تتبع و تحلیل قرار می‌دهند.
- تعاریف متعددی از روش تحلیل گفتمان ارائه شده است، اما تعریف ارائه‌شده توسط نورمن فرکلاف و درگام بعد تعریف دایان مک دانل بیش از سایر تعاریف نقل‌شده مورد استفاده واقع شده است (عقیلی و لطفی حقیقت ۱۳۸۹).
- فرکلاف می‌گوید، گفتمان مجموعه‌ای به هم تافته است که از سه عنصر کردار اجتماعی، کردار گفتمانی و تحلیل متن تشکیل شده است (فرکلاف ۱۳۹۹).
- مک دانل هم معتقد است، گفتگو یا هم‌پرسه شرط مقدماتی هر گفتمان به‌شمار می‌رود. هر نوع گفتار، کلام و نوشتار، جریان اجتماعی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، دارای سرشت، ماهیت و ساختار اجتماعی می‌باشند. گفتمان‌ها حسب مکان و زمان تفاوت می‌کنند و در هر کشور گفتمان‌های متفاوتی وجود دارد، علاوه بر آن، کشور به کشور نیز گفتمان‌ها تفاوت دارند (مک دانل ۱۳۸۰).
- با در نظر گرفتن تعاریف مذکور می‌توان به یک جمع‌بندی در تحلیل گفتمان دست یافت. تحلیل گفتمان، در واقع به کشف تعاملات زبان با ساختارهای فکری - اجتماعی در متون گفتاری یا نوشتاری می‌پردازد و چگونگی شکل‌گیری معنا در ارتباط با عوامل درون‌زبانی و بیرون‌زبانی را مطالعه می‌کند (شکرانی، مطیع و صادق‌زادگان ۱۳۹۰).
- مفروضات تحلیل گفتمان که از برابند قواعد تحلیل سخن، تحلیل گفتار، تحلیل متن، هرمنوتیک، تفسیر، نشانه‌شناسی، مکتب انتقادی و روانکاوی مدرن است، عبارت است از:
- متن را می‌باید به‌عنوان یک کل، معنا نمود که البته این معنا لزوماً در خود متن قرار ندارد.
 - مطالعه، برداشت و تفسیر از متن همواره برداشت ناصواب از متن است.
 - برداشت افراد مختلف از گفتار یا متن واحد، متفارق است و دالی متفاوت می‌تواند برای اشاره به مدلولی ظاهراً یکسان مورد استفاده قرار گیرد.
 - در هر گفتمانی، حقیقتی نسبی نهفته است و هیچ گفتمانی دارای حقیقت مطلق نیست.

- معنا همان اندازه که از متن منبعث می‌شود، از بافت یا زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی نیز تأثیر می‌پذیرد.
- معنای یک متن در میان نوشته‌های آن متن مستتر است.
- گفتمان، تک‌سطحی و تک‌بعدی نیست، بلکه دارای ابعاد و سطوح متعددی است.
- هیچ متنی بی‌طرف و فاقد جهت‌گیری نیست، بلکه همه متون ایدئولوژی خاص خود را دارند.
- نحو (Syntax) متن حاوی معنا است، زیرا نحو برخوردار از معانی ایدئولوژیک و اجتماعی است و این معانی در جای خود به عواملی که دالها را می‌سازند مانند بافت‌ها، رمزها، مشارکت‌ها و تاریخ، وابسته‌اند.
- هر متن به یک منبع قدرت یا اقتدار مرتبط است. البته این منبع قدرت یا اقتدار الزاماً سیاسی نیست.
- هر متن در موقعیت و شرایط ویژه‌ای تولید می‌شود؛ لذا همواره رنگ پدیدآورنده خود را به خود دارد. (بهرام‌پور، ۱۳۷۸).

لازم به ذکر است که برای گردآوری داده‌ها، در پایگاه داده بیانات رهبری^۱ کلیدواژه‌های مختلف و مرتبط با آینده مورد بررسی و جستجو قرار گرفته است. به منظور ردگیری دقیق بیانات ایشان، تاریخ هر مورد در انتهای پاراگراف مربوطه درج شده است.

یافته‌های پژوهش

باتوجه به مطالب و عناوین استخراج شده از بیانات رهبری چارچوب مفهومی زیر (شکل ۲) برای تبیین آینده‌اندیشی از منظر ایشان پیشنهاد می‌شود.



شکل ۲. چارچوب مفهومی آینده‌اندیشی از منظر رهبر معظم انقلاب

۱. لزوم آینده‌اندیشی

۲. در لوازم و زیرساخت‌های مورد نیاز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اعتقاد قلبی به وعده‌های الهی؛
- صبر و استقامت؛
- امید؛
- کار جهادی؛
- اعتماد به نفس ملی؛
- بصیرت؛
- تربیت انسان؛
- توجه به تشکیلات؛
- اقتصاد؛
- فرهنگ؛
- برنامه‌ریزی.

۳. در پیشران‌ها (و موانع) به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- معنویت و اعتقادات؛
- نصرت الهی؛
- آرمان‌خواهی؛
- جهت‌گیری انقلابی و جهادی؛
- علم؛
- جوانان؛
- مردم؛
- اتحاد مسلمین.

۴. در افق و دامنه آینده‌اندیشی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- بلندمدت؛
- جهانی.

۵. در آینده‌نگاری (اهداف، تصویرسازی و نقشه راه) به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- مراحل پنجگانه تمدن نوین اسلامی؛
- عدالت اجتماعی؛
- حیات طیبه؛
- جامعه مهدوی.

در ادامه به بررسی و تبیین هر کدام از مؤلفه‌های اشاره‌شده در چارچوب مفهومی براساس بیانات ایشان پرداخته شده است.

لزوم آینده‌اندیشی

لزوم آینده‌اندیشی و داشتن نگاه کلان و برنامه‌ریزی بلندمدت را در جای‌جای صحبت‌های مقام معظم رهبری می‌توان مشاهده کرد که در ادامه برخی از این بیانات به‌عنوان نمونه آورده شده است.

«نسبت میان نگاه به فعالیت‌های امروز و نگاه به تکالیف آینده در فعالیت‌های دانشجویی و جنبش دانشجویی باید رعایت شود؛ لیکن اگر ما نگاه کلانی به مسائل کشور، به آینده کشور و چالش‌هایی که فراروی ملت و کشور قرار دارد، نداشته باشیم، نه تنها نمی‌توانیم وظایف آینده را ترسیم کنیم، بلکه در فعالیت‌های فعلی هم احتمال سردرگمی وجود خواهد داشت. به افق دوردست نگاه کنید و ببینید چه باید کرد و چالش‌هایی که در مقابل ماست، چیست.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۸۴/۰۲/۱۹).

«اگر امروز ارکان حوزه یعنی مدیران، صاحب‌نظران، اساتید، برجستگان همت بکنند، درست فکر کنند و برنامه‌ریزی کنند، حوزه بیست سال دیگر از لحاظ سطح و عمق و عرض و طول و توسعه نفوس، از حالا به مراتب بهتر خواهد بود. اگر حالا ما پیش‌بینی نکنیم، نه؛ هیچ معلوم نیست حوزه قمی در آینده با همین عرض و طول فعلی هم وجود داشته باشد. اگر این آینده‌نگری انجام گرفت، فردا خوب خواهد بود. اگر این آینده‌نگری امروز در حوزه قم انجام نگیرد و به وضع موجود راضی باشیم؛ به همینی که حالا حوزه را یک جوری اداره کنیم؛ به این اگر قناعت کنیم، فردا یا حوزه‌ای نداریم یا حوزه‌ای رو به انحطاط خواهیم داشت.

هم مدیران حوزه، هم شورای عالی حوزه، هم بزرگان حوزه، هم حضرات مراجع باید این را بدانند و به این توجه کنند که ما امروز باید به فکر حوزه قم یا اصفهان یا مشهد یا بقیه شهرها در بیست سال آینده باشیم؛ در سی سال آینده باشیم. سی سال آینده یعنی چه؟ یعنی دنیائی که احتمالاً هیچ شباهتی با امروز ندارد؛ از لحاظ امکان اثرگذاری، امکان تسخیر دل‌ها، امکان تسخیر سرزمین‌ها؛ این یک نکته؛ مسئله آینده‌نگری.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۸۶/۰۹/۰۸).

«آنچه نسبت به آینده باید گفت، این است که ما آینده را نمی‌شناسیم چگونه است و از آن خبر نداریم. همه چیز مبتنی بر حدس و تحلیل است. گذشته، عینیات و حسیات ماست و وجود ما با همه حیاتش، آن را درک و لمس کرده است؛ ولی ما آینده را به حدس درمی‌یابیم. درعین حال، این حدس آمیخته به اراده ماست؛ یعنی ما اجازه نمی‌دهیم که آینده، جدای از اراده و خواست ما،

به جهتی حرکت کند. ما می‌خواهیم اراده خود را در آینده دخیل کنیم. این هم خاصیت انسان مؤمن باهدف است. اگر هدفی داریم و اگر مشخص است که کجا می‌خواهیم برویم و اگر تصمیم بر رفتن داریم، پس آینده قابل حدس است و این حدس، ناشی از اراده ما می‌باشد. ما در این راه حرکت خواهیم کرد و البته، در بین راه ممکن است حوادثی پیش بیاید و عوارض و آفات و مشکلاتی عارض بشود. همین‌هاست که یقین را به حدس تبدیل می‌کند. اگر احتمال این حوادث نبود، وقتی اراده داریم و می‌خواهیم و می‌دانیم به کجا می‌رویم، در آن صورت به یقین می‌رسیدیم؛ اما چون احتمالاتی هم وجود دارد، به حدس تبدیل می‌شود. پس، در تکوین حدسی که نسبت به آینده می‌زنیم، اراده ما دخیل است. من می‌گویم این اراده را باید آنچنان قرار بدهیم که احساس کنیم موجب رضای خداست. طبعاً حدس ما هم، این خواهد بود.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۶۸/۰۵/۱۸).

لوازم و زیرساخت‌های موردنیاز

لوازم و زیرساخت‌های زیادی را می‌توان از بین بیانات مقام معظم رهبری به‌منظور رسیدن به آینده مطلوب استخراج کرد که می‌توان به اعتقاد قلبی به وعده‌های الهی، صبر و استقامت، کار جهادی، امید، اعتماد به نفس ملی، بصیرت، تربیت انسان، توجه به تشکیلات، مهیامودن زیرساخت اقتصاد، فرهنگ و برنامه‌ریزی مناسب اشاره کرد. برخی از بیانات ایشان در این زمینه عبارتند از: «نگاه کنید به آینده دور؛ یعنی آینده معین شده در سند چشم‌انداز بیست‌ساله. کسانی که امروز وارد مدرسه می‌شوند، در پایان دوران بیست‌ساله، یک جوان بیست و شش، هفت ساله هستند - امسال، سال اول چشم‌انداز است - شما می‌خواهید این جوان بیست و شش، هفت ساله چه جور انسانی باشد؛ اگر می‌خواهید این جوان، یک جوان خلاق، دارای ابتکار، شجاع، آراسته از لحاظ اخلاقی، سالم از لحاظ جسمی و فکری و روانی، صاحب فکر و اندیشه، دارای احساس مسئولیت نسبت به کشورش و ملتش و آینده‌اش باشد، امروز باید طرح صیوررت این کودک را به آن جوان اینجا طراحی کنید؛ حاضر داشته باشید و به دستگاه‌ها ابلاغ کنید. جهت‌گیری‌های برنامه‌ای و کاری دولت را با شاخص سند چشم‌انداز بسنجید. این سند

چشم‌انداز چیز مهمی است؛ این را دست کم نباید گرفت. شاید بتوان گفت که بعد از قانون اساسی، ما هیچ سندی را در کشور به این اهمیت نداریم. یک نگاه کلان و بلندمدت است. سند چشم‌انداز مهم است. نگاه کنید ببینید الان چهار سال از سند چشم‌انداز گذشته، یعنی ما شانزده سال به پایان این چشم‌انداز داریم. چقدر پیش رفته‌ایم؟ یک ادعا این است که از چهار سال بیشتر پیش رفته‌ایم؛ یک ادعا این است که نه، کمتر پیش رفته‌ایم؛ نصف این چهار سال پیش رفته‌ایم. اینها باید درست سنجیده بشود؛ درست باید ملاحظه بشود. در این سند چشم‌انداز، آینده‌ای در نظر گرفته شده که برای ملت ایران این آینده لازم و شایسته است. اگر به آن آینده نرسیم، عقب می‌مانیم. آن وقت باید هم بدانیم که همین‌طور که ما داریم به سمت آن هدف حرکت می‌کنیم، اطراف ما هم همه ثابت نیستند؛ آنها هم دارند حرکت می‌کنند. باید سرعت را تنظیم کنیم، زمان‌بندی‌های برنامه‌ها را تنظیم کنیم؛ جوری این سرعت را تنظیم کنیم که بتوانیم واقعاً به هدف چشم‌انداز برسیم. یعنی این دولت در سهم خود کار درست خودش را انجام داده باشد.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۴/۱۰/۱۳۸۴).

«جوان‌های امروز ما، جوان‌های نسل معاصر ما و جوان‌هایی که در آینده خواهند آمد، بدانند راه انقلاب، راهی است که احتیاج دارد به عزم، به ایمان، به ثبات قدم.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۴/۰۳/۱۳۸۷).

«عزیزان من! ثبات در این راه، استقامت در این راه، یکی از واجب‌ترین و مهم‌ترین عوامل پیشرفت است. سعی کنید محیط خودتان را، پیرامون خودتان را، عناصر مرتبط با خودتان را و، پیش از همه، درون و دل خودتان را وفادار و باثبات نگه دارید نسبت به این آرمان‌ها و نسبت به این راه و نسبت به این اهداف والا؛ قطعاً پیروز خواهید شد، قطعاً پیروزی با شما خواهد بود.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۴/۰۹/۱۳۹۶).

«عزیزان من! مراقب باشید و سوسه‌ی دشمن در فضای عمومی زندگی تأثیر نگذارد، نفوذ دشمن نتواند در صفوف یکپارچه جوانان مؤمن اختلال ایجاد کند. در همه بخش‌ها - امروز در بخش‌های فضای مجازی و در بقیه زمین‌ها - دشمن به شدت فعال است. البته تلاش دشمن،

مأیوسانه است؛ این را از سخنان آنها کاملاً می‌شود فهمید؛ اما تلاش می‌کنند. باید بایستید، باید از خودتان آمادگی و اقتدار نشان بدهید، باید ابتکار خودتان و انگیزه خودتان را در بخش‌های مختلف به کار ببندید؛ خدای متعال به شما کمک خواهد کرد.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۹۷/۰۶/۱۸).

«نیروهای جوان؛ یعنی مجموعه شماها که این نیروهای جوان، پیشرانند؛ اینها در واقع مثل لوکوموتیو هستند، نقش لوکوموتیو را [دارند] که وقتی حرکت کردند، به‌طور طبیعی به‌دنبال خودشان قطار را حرکت می‌دهند؛ البته اگر به وظایفی که برعهده قشر جوان است، درست عمل بشود. البته روحیه امید و عزم و برنامه‌ریزی - این سه چیز - [هم] لازم است. اولاً امیدتان را اصلاً نباید ازدست بدهید. اینکه همین‌طور دائماً یأس را بیایند تزریق بکنند در داخل جامعه - که دارد می‌شود این کار - این کاری خصمانه است؛ حالا ممکن است آن کسی که این کار را می‌کند، واقعاً دشمن نباشد اما کار دشمنانه دارد می‌کند هر کسی که یأس را [تزریق می‌کند] که «آقا نمی‌شود، فایده ندارد، همه چیز به‌هم ریخته است»؛ نه، این کار [دشمنانه است]. امید، شرط لازم است؛ یکی این. عزم، اراده، یعنی تصمیم‌گیری - تصمیم باید گرفت، این کارها تصمیم می‌خواهد - و برنامه‌ریزی؛ بدون برنامه‌ریزی هم نمی‌شود؛ این سه چیز را داشته باشید.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۹۷/۰۳/۰۷).

«تقوا وسیله پیروزی است. آن کسی که می‌خواهد بر این بیماری، در این منطقه پیروز بشود، اگر همواره بترسد که مبادا این میکروب در جسم او اثر بگذارد، این چطور می‌تواند میکروب‌زده‌ها و وبازده‌ها را نجات بدهد؟ باید خودش را خاطر جمع کرده باشد. بعد وارد منطقه وبازده بشود و دیگران را نجات بدهد؛ آن وقت است که پیروزی هم خواهد رسید. آن وقت است این کار هم به‌راحتی انجام خواهد داد. و اتقوا الله، تقوای خدا پیشه کنید؛ لعلکم تفلحون، مگر پیروزمند و رستگار و موفق گردید (خامنه‌ای، ۱۳۹۲).»

«اگر از این راه رفتید، آن وقت نتایج خوبی به‌دست شما خواهد رسید که آن نتایج را هم خدا در قرآن مکرر در آیات متعدّد قرآنی بیان کرده: اِتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ رحمت الهی؛ لَعَلَّكُمْ

تُفْلِحُونَ - فلاح یعنی رستگاری - اگر تقوا بود، رستگاری برای انسان پیش می‌آید؛ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ - که در بعضی از آیات هست - تقوا موجب هدایت است، وقتی تقوا پیشه کردید، مشکلات، کوره‌راه‌ها از جلوی شما عقب خواهد رفت و راه درست برای شما روشن خواهد شد. اگر تقوا داشته باشید، موجب فرقان است: يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا؛ فرقان یعنی قدرت تشخیص؛ [این] خیلی مهم است. ما در همه مسائل زندگی نیاز داریم به قدرت تشخیص که راه درست را از نادرست، حق را از باطل تشخیص بدهیم؛ با «تقوا» فرقان به وجود می‌آید، قدرت تشخیص به وجود می‌آید. یک چیز دیگر: وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا - «مَخْرَج» یعنی بن بست شکنی - اگر تقوا باشد، بن بست وجود ندارد، بن بست در کارتان نیست. در همه زمینه‌ها اگر تقوا داشته باشید، مراعات کنید، همان پروای موردنظر و ملاحظه از خدای متعال را داشته باشید، بن بست در مقابل شما وجود ندارد و بصیرت [هم به انسان می‌دهد]. اینها وعده‌های قرآنی است برای تقوا. وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا؛ هیچ کس، هیچ وعده‌دهنده‌ای صادق‌تر از خدای متعال نیست؛ وقتی خدای متعال وعده می‌دهد، تحقق پیدا می‌کند، قطعی است و در این شکی نیست.

... خب امروز، مشکل عمده و نقد کشور فعلاً مشکل اقتصادی است. علتش هم فشار بر مردم است دیگر، فشار بر معیشت مردم به خصوص طبقات ضعیف است، حتی طبقات متوسط هم تاحدودی زیر فشار هستند، لکن بیشتر، طبقات ضعیف [تحت فشارند] که طبعاً وقتی که اقتصاد کشور دچار مشکل شد، مردم و ضعفا در جامعه زیر فشار قرار می‌گیرند، دشمن [هم] طمع می‌کند؛ یکی از اشکالات کار این است که دشمن طمع می‌کند و امید می‌بندد؛ اعتبار کشور هم کاهش پیدا می‌کند، یعنی واقعاً [اگر] مشکل اقتصادی و نداشتن برنامه خوب اقتصادی و پیشرفت اقتصادی در هر کشوری وجود داشته باشد، اعتبار آن کشور را لطمه می‌زند؛ لذا واقعاً باید به مسئله اقتصاد به طور جدی پرداخت. و عرض می‌کنیم هیچ بن بست هم به معنای واقعی کلمه در اینجا وجود ندارد، یعنی واقعاً هیچ بن بست نیست؛ بله، مشکلات هست، موانع هست [ولی] بن بست وجود ندارد.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۹۸/۰۲/۲۴).

«برای تداوم راه انقلاب، برای عمق بخشیدن به فکر انقلاب و به این اندیشه بلند و بزرگ، بسیج

شوید. فلسفه انقلاب، یک بنای فکری شامخ است؛ بنایی فکری و دارای آن‌قدر استحکام که توانست یک نظام را که بزرگترین قدرت‌های دنیا پشتیبانش بودند، منهدم و زیرورو کند، یک نظام نو به وجود آورد و تمام کسانی را که در دنیای امروز، چیزی شبیه آن نظام منهدم‌شده دارند، به خود بلرزاند! آری؛ به خود لرزیدند. این است که هنوز هم که هنوز است، تا حرف می‌زنند، می‌گویند جلو این صدور انقلاب را بگیرید؛ ما از این صدور انقلاب، خیلی می‌ترسیم! این یعنی چه؟ یعنی اینکه فلسفه مستحکم قوی خوش‌بنیه اسلامی و الهی و قرآنی، همه کسانی را که وجه مشترک زیادی با آن نظام دارند - که این فلسفه، آن را منهدم کرده است - به خود می‌لرزاند! یک چنین چیزی است.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۷۷/۰۵/۰۹).

« آنچه آینده دارد، آن اسلام است، آن قرآن است، آن شما جوان‌های مؤمن هستید؛ آنکه آینده دارد شما جوانان مؤمن هستید. الان می‌خوانند که «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا»؛ چه کسی از خدا راستگوتر است؟ چه کسی از خدا به آینده عالم تر است؟ و خدای متعال این را فرموده است که آینده متعلق است به مؤمنین، متعلق است به صالحین، متعلق است به مجاهدین فی سبیل‌الله؛ در این هیچ تردیدی نیست؛ این یک وعده الهی است. اما اگر کسی دچار وسوسه و تردید هم بشود، وعده الهی هم دل او را آرام نکند، تجربه‌ها باید دل او را آرام کند. بنده مکرر این را عرض می‌کنم و با همه وجود اعتقاد به این معنا دارم. اگر چنانچه هیچ وعده‌ای هم به ما داده نشده بود، با این تجربه‌هایی که ملت ایران از سی‌چهار سال پیش به این طرف دارد، باید یقین می‌کرد که آینده متعلق به اوست؛ باید یقین می‌کرد که پیروزی متعلق به او است.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۹۶/۰۳/۰۶).

«کی تصور می‌کرد جوانان فلسطینی جرئت کنند به نام اسلام متشکل شوند، به نام اسلام شعار بدهند، به نام اسلام به نیروهای غاصب ظالم بیرحم صهیونیست حمله کنند؟ این اتفاق افتاده. در دو هفته گذشته، در «یوم النکبة» جوان‌ها مرزهای اسرائیل را برای اول‌بار بعد از گذشت شصت سال شکستند. اینها همان «و لتعلم ان وعد الله حق» است. این دارد نشان می‌دهد که بدانید وعده الهی که فرمود: «لیظهره علی الدین کله» - خدای متعال این دین را، این رسالت را بر همه فرآورده‌های

فکری و دینی عالم پیروز خواهد کرد - درست است. خدا دارد این وعده‌های نقد را تحقق می‌بخشد؛ فقط شرطش این است که من و شما که در این راه سربازان پیشرو این حرکت در دوران معاصر بودیم، قدممان را سست نکنیم، حواسمان جای دیگر نرود.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۹۰/۰۳/۱۰).

«اینکه یک ملت احساس بکند که می‌تواند بر موانع پیروز بشود، خیلی چیز مهمی است. بله، در روایات و آیات، توکل به خدا و «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» و مانند اینها را می‌خوانیم و می‌گوییم و عقیده هم داریم، لکن اینکه در عمل «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» را آدم ببیند، خیلی فرق می‌کند. حضرت ابراهیم با آن عظمت، به خدای متعال عرض می‌کند که می‌خواهم زنده شدن مرده‌ها را ببینم. خداوند می‌فرماید: أَوْلَمْ تُؤْمِنُوا؟ مگر قبول نداری؟ جواب می‌دهد: قَالَ بَلَىٰ جَرًّا، قبول دارم؛ وَلَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي. این آرامش دل، این پذیرش از اعماق باور و جان انسان نسبت به یک حقیقت، خیلی چیز مهمی است؛ این را جنگ - دفاع هشت‌ساله - به ما نشان داد. ما الان می‌توانیم با همه توان ادعا بکنیم که جمهوری اسلامی با همه چالش‌هایی که در مقابل او به وجود می‌آوردند، می‌تواند پنجه ببندازد و بر همه آنها می‌تواند غالب بشود؛ چون این را تجربه کرده‌ایم. وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ اگر ایمان در دل و در عمل وجود داشته باشد، کوه‌ها در مقابل یک جامعه، یک مجموعه، یک انسان قوی، هموار خواهد شد و قدرت مقاومت نخواهد داشت. یکی از فواید جنگ برای ما این بود. خب، اینها حقایقی است.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۹۶/۰۳/۰۳).

«باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. باید به سمت زندگی علوی برویم. رفتن به سمت زندگی علوی معنایش این نیست که اگر آن روز گنگ می‌بستند و راه می‌رفتند، امروز هم گنگ ببندیم و راه برویم؛ نه، امروز دنیا پیشرفته است. باید روح زندگی علوی - یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا - را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت اینها برویم؛ این اساس کار ماست.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۸۳/۰۸/۰۶).

«روحیه جهادی را بر روحیه تافته جدا بافته بودن ترجیح بدهید. یکی از خطراتی که گریبان کسانی را که یک امتیازی دارند می‌گیرد، این است که احساس کنند تافته جدا بافته‌اند، احساس کنند یک سر و گردن از همه بالاترند؛ این خطر بزرگی است، این یک خطر شخصیتی است، یک بیماری شخصیتی است؛ نگذارید این بیماری در شما رشد بکند و راهش هم این است که کار جهادی و روحیه جهادی را در خودتان تقویت کنید. روحیه جهادی یعنی کار را برای خدا انجام دادن، کار را وظیفه خود دانستن، همه نیروها را در راه کار درست به میدان آوردن؛ این روحیه جهادی است.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۹۴/۰۷/۲۲).

«قرآن جواب ما را داده است. قرآن، آن درد را به مسلمین معرفی می‌کند. آن آیه این است که می‌فرماید: «فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلاة و اتبعوا الشهوات فسوف يلقون غيا». دو عامل، عامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است: یکی دور شدن از ذکر خدا که مظهر آن نماز است. فراموش کردن خدا و معنویت؛ حساب معنویت را از زندگی جدا کردن و توجه و ذکر و دعا و توسل و طلب از خدای متعال و توکل به خدا و محاسبات خدایی را از زندگی کنار گذاشتن. دوم «واتبعوا الشهوات»؛ دنبال شهوت‌رانی‌ها رفتن؛ دنبال هوس‌ها رفتن و در یک جمله: دنیا طلبی. به فکر جمع آوری ثروت، جمع آوری مال و التذاذ به شهوات دنیا افتادن. اینها را اصل دانستن و آرمان‌ها را فراموش کردن. این، درد اساسی و بزرگ است. ما هم ممکن است به این درد دچار شویم. اگر در جامعه اسلامی، آن حالت آرمان‌خواهی از بین برود یا ضعیف شود؛ هر کس به فکر این باشد که کلاهش را از معرکه درببرد و از دیگران در دنیا عقب نیفتد؛ اینکه «دیگری جمع کرده است، ما هم برویم جمع کنیم و خلاصه خود و مصالح خود را بر مصالح جامعه ترجیح دهیم»، معلوم است که به این درد دچار خواهیم شد.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۷۱/۰۴/۲۲).

پیشران‌ها و موانع

یکی از مهم‌ترین موضوعات در مباحث آینده‌پژوهی توجه و احصای درست پیشران‌ها و موانع موثر بر یک مسئله می‌باشد. با توجه به بیانات مقام معظم رهبری پیشرانه و موانعی در مسیر تحقق

آینده تمدن نوین اسلامی وجود دارد که می‌توان به معنویت و اعتقادات، نصرت الهی، آرمان‌خواهی، جهت‌گیری انقلابی و جهادی، علم، جوانان و مردم اشاره کرد. در ادامه بخشی از بیانات ایشان در رابطه با این مفاهیم آورده شده است.

«آینده کشور، جز با نردبان علم، ترقی و پیشرفت نخواهد کرد. ملت ایران چاره‌ای جز این ندارد که از لحاظ علمی بنیه‌اش را تقویت کند و در علم پیش برود؛ استعدادش را هم خدا داده است.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۸۶/۰۲/۳۱).

«اما نگاهی هم به آینده بیندازیم. راه ملت ایران در آینده چیست؟ در یک جمله، به‌طور خلاصه باید بگوییم که راه ملت ایران در آینده، همان راه امام و انقلاب و ایستادگی و مقاومت در مقابل تحمیل ابرقدرت‌ها و دفاع از مستضعفین و مظلومین و دفاع از اسلام و قرآن و برافراشتن پرچم اسلام و قرآن در سطح عالم است.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۷۱/۰۳/۱۴).

«ملت ایران به‌عنوان یک ملت و یک مجموعه، تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی فرصت و مهلت این را نیافت که برای خود چشم‌اندازی تعریف کند؛ آن چشم‌انداز را انتخاب کند؛ برای آن چشم‌انداز برنامه‌ریزی کند و به‌سوی آن چشم‌انداز حرکت کند. تا چشم‌انداز را برای خود تعریف نکنیم، هیچ کار درستی صورت نخواهد گرفت - همه‌اش روزمرگی است - بعد از آنکه تعریف کردیم، اگر برنامه‌ریزی نکنیم، کار بی‌برنامه به سامان نخواهد رسید. بعد از آنکه برنامه‌ریزی کردیم، اگر همت نکنیم، حرکت نکنیم، ذهن و عضلات و جسم خود را به تعب نیندازیم و راه نیفتیم، به مقصد نخواهیم رسید؛ اینها لازم است.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۸۳/۰۳/۱۴).

«ما تردیدی نداریم که آینده روشنی داریم؛ البته اینکه این آینده زود باشد یا دیر باشد، دست من و شما است: اگر خوب حرکت کنیم، آینده زودتر خواهد رسید؛ اگر چنانچه تبلی و کوتاهی و خودخواهی و دنیاپرستی و دل‌دادن به این ظواهر، چشم ما را یک قدری پُر کند، ساقط کند ما را، در درون خودمان ریزش - چه ریزش شخصی در درون، چه ریزش اجتماعی - پیدا بکنیم،

البته دیرتر به دست خواهد آمد؛ اما بدون تردید به دست خواهد آمد.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۹۲/۰۶/۲۶).

«در نگاه به مسائل کشور... باید دو خصوصیت «آرمان‌گرایی» و «واقع‌بینی» را در نظر داشت. نگاهتان نگاه آرمان‌گرا باشد. از آرمان‌ها پائین نیائید، کوتاه نیائید، نگاه باید نگاه آرمانی باشد، منتها با توجه به واقعیت سقفی را معین می‌کنیم؛ منتها تکلیفی را که برای خودمان... معین خواهیم کرد، باید با توجه به واقعیت‌های موجود باشد، منتها به طرف آن آرمان، تا هی این توانائی‌ها روزه‌روز بیشتر شود. واقع‌گرایی به معنائی که در مقابل آرمان‌گرایی است، مطلوب نیست... ملاک این است که ما می‌خواهیم به آن آرمان‌ها برسیم؛ منتها در کنار این، واقع‌بینی لازم است؛ نباید دچار توهم شد... آرمان‌ها را باید در نظر داشت. پله‌ها را باید مطابق با واقعیت‌هایی که وجود دارد، یکی پس از دیگری چید و به سمت آن آرمان‌ها پیش رفت.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۸۹/۰۳/۱۸).

«بعضی‌ها اشتباه می‌کنند که در مقابل آرمان‌گرایی، واقع‌بینی را مطرح می‌کنند. در نظر این‌ها واقع‌بینی، نقطه مقابل آرمان‌گرایی است. این خطای بزرگی است. چون آرمان‌گرایی، واقعیت‌ها را در جامعه می‌سازد. یک مجموعه با آرمان و دارای هدف‌های بلند، می‌تواند واقعیت‌ها را طبق آرمان خود شکل دهد و به وجود بیاورد. دنیا این طور پیش رفته است. آرمان‌ها را کنار بگذاریم، به بهانه واقع‌بینی! این کمال غفلت است. آرمان‌گرایی به وجود آورنده واقعیت‌های شیرین و مطلوب است. وقتی یک انسان، یک مجموعه و یک ملت با مسئولان و دست‌اندرکارانش پای آرمان‌ها ایستادند، حاضر نشدند کوتاه بیایند و برایش کار کردند، چه اتفاقی می‌افتد؟ واقعیت‌ها به سمت آرمان‌ها تغییر می‌کند. این خودش بزرگترین واقعیت و قانون زندگی است؛ چرا بعضی این را فراموش می‌کنند؟» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۸۲/۱۰/۱۴).

«از دانشگاه همیشه و در همه جا این انتظار هست که محل جوشش و اوج دو جریان حیاتی در کشور باشد: اول، جریان علم و تحقیق؛ دوم، جریان آرمان‌گرایی‌ها و آرمان‌خواهی‌ها و هدف‌گذاری‌های سیاسی و اجتماعی. کمتر محیطی را - شاید محیط دیگری را نشود پیدا کرد -

می‌توان پیدا کرد که مثل دانشگاه این دو جریان در آن به‌طور موازی همواره جوشش داشته باشد؛ هم جریان علم و تحقیق که مایه حیات جامعه و عزت جامعه است و عزت علمی به‌دنبال خود عزت اقتصادی، عزت سیاسی، عزت بین‌المللی را می‌آورد، در دانشگاه‌هاست، و هم آن مسئله آرمان‌گرایی که به‌ظاهر به مسئله علم ارتباطی هم ندارد، اما در همه جای دنیا انتظار از دانشگاه‌ها به‌خاطر حضور دانشجو این است که در زمینه ترسیم آرمان‌ها و گرایش به تحصیل این آرمان‌ها و رسیدن به این آرمان‌ها، دانشگاه فعال باشد.

.... عرض کردیم که کشور باید به عزت علمی برسد. هدف هم باید مرجعیت علمی باشد در دنیا؛ همین‌طور که بارها عرض کرده‌ایم. یعنی همین‌طور که شما امروز ناچارید برای علم و دستیابی به محصولات علمی به دانشمندی، به کتاب‌هایی مراجعه کنید که مربوط به کشورهای دیگرند، باید به آنجا برسیم که جوینده دانش، طالب علم، مجبور باشد بیاید سراغ شما، سراغ کتاب شما؛ مجبور باشد زبان شما را یاد بگیرد تا بتواند از دانش شما استفاده کند. هدف باید این باشد.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۸۷/۰۹/۲۴)

«خب، ساده‌انگاری نباید کرد. بله، دشمن در محاسبات خودش خطا می‌کند، لکن ما باید مراقب باشیم که صرفاً معیوب بودن دستگاه محاسباتی دشمن نیست که ما را موقّت می‌کند؛ باید کار کرد، باید تلاش کرد. حضور مردم در صحنه، ایمان مردم به لزوم حضورشان در صحنه، اعتماد به وعده الهی از سوی مردم و مسئولین، طرّاحی‌های متقابل، همه مؤثّر است و مؤثّر بوده. اگر امام بزرگوار هم در همان روزهای بیست‌ویکم بهمن و بیست‌ودوم بهمن، فرمان شکستن حکومت نظامی را نمی‌دادند، وضع جور دیگری می‌شد. با نشستن و تماشا کردن و به امید خطای دشمن ماندن کار پیش نمی‌رود؛ بایستی تلاش کرد، باید در میدان عمل حضور داشت، باید کار کرد، باید به خدا اعتماد کرد، باید مجاهدت کرد، باید به‌طور دائم طرّاحی متقابل کرد؛ این وظیفه مسئولین است. مؤلفه‌های قدرت ملی را باید افزایش داد که یکی از آنها همین نیروهای مسلّح است و باید تولید قدرت کرد و این قدرت را در عمل هم بایستی نشان داد.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۹۹/۱۱/۱۹).

«ملت عزیز ایران باید هم‌میشان این باشد که قوی بشوند. تنها راه در پیش پای ملت ایران عبارت است از قوی شدن؛ باید تلاش کنیم قوی بشویم؛ ما از مذاکره هم ابائی نداریم؛ البته نه با امریکا، با دیگران؛ اما نه از موضع ضعف، از موضع قوت، از موضع قدرت. ما بحمدالله دارای قدرتییم و به توفیق الهی قوی‌تر هم خواهیم شد. البته قدرت فقط قدرت نظامی نیست؛ قدرت، قدرت نظامی نیست؛ اقتصاد کشور باید قوی شود، وابستگی به نفت بایستی تمام بشود، نجات پیدا کنیم از وابستگی اقتصادمان به نفت؛ جهش علمی و فناوری باید ادامه پیدا کند؛ پشتوانه همه اینها هم حضور مردم عزیزمان در صحنه است. باید ملت ایران و مسئولین کشور تلاششان برای قوی شدن کشور و قوی شدن ملت باشد، با اتحاد، با حضور، با صبر و استقامت و با کار سخت و پرهیز از تنبلی؛ این اگر [محقق] شد، به توفیق الهی، به فضل الهی، ملت ایران در آینده نه‌چندان دوری آنچنان خواهد شد که دشمنان حتی جرئت تهدید هم پیدا نکنند.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۹۸/۱۰/۲۷).

افق و دامنه آینده‌اندیشی

افق بلندمدت و دامنه آینده‌اندیشی یکی دیگر از مؤلفه‌های این موضوع از منظر رهبر معظم انقلاب است. برنامه‌ریزی و دید بلندمدت (۴۰ ساله، ۵۰ ساله، ۱۰۰ ساله و...) و همچنین محدود نبودن دامنه انقلاب اسلامی به ایران از مؤلفه‌های آینده‌اندیشی از منظر ایشان است. در ادامه برخی از بیانات در رابطه با این مؤلفه آورده شده است.

«ما بحث آینده بلندمدت نظام اسلامی را می‌کنیم. شما در ذهنتان چهل سال بعد را تصویر کنید و ببینید که جمهوری اسلامی در آن سال‌ها چگونه بر تمام دنیای ظلمانی مادی آن روز پرتو خواهد افکند... دل مؤمن، به کمتر از این پیشرفت قانع نیست؛ «من ساوی یوماه فهو مغبون». امسالمان با سال گذشته نمی‌تواند مثل هم باشد؛ باید جلوتر رفته باشیم. پس شما چهل سال دیگر را در نظر بگیرید و ببینید جمهوری اسلامی چه هویت درخشانی ایجاد کرده و چه خیمه عظیمی بر فراز فکر و ذهن بنی آدم در سرتاسر جهان زده است.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۶۸/۰۳/۲۲).

«ما آمدم برای اینکه یک جامعه‌ی اسلامی به وجود بیاوریم؛ ما آمدم تا حیات طیبه اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان بازتولید کنیم؛ آن را تأمین کنیم و اگر بخواهیم با یک نگاه وسیع‌تر نگاه کنیم، چون بازتولید حیات طیبه اسلامی در کشور ما می‌تواند و می‌توانست و می‌تواند همچنان الگوئی برای دنیای اسلام شود، در واقع آمدم برای اینکه دنیای اسلام را متوجه به این حقیقت و این شجره طیبه بکنیم؛ ما برای این آمدم.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۸۷/۰۶/۱۹ و بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی ۱۳۹۲).

«مسئله فقط ایران هم نبود؛ ایران به‌عنوان یک الگو برای جوامع اسلامی در درجه اول، و همه جوامع بشری در درجه بعد، مورد نظر بود. ما می‌خواستیم این جامعه را با این خصوصیات بسازیم - ما یعنی ملت ایران، انقلاب ایران، انقلابیون ایران؛ منظور، شخص بنده و چند نفر دیگر نیست - و آن را بگذاریم جلوی چشم آحاد بشر و امت اسلامی؛ بگویند این است که هم مطلوب اسلام است، و هم میسور مردم این روزگار است.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۸۷/۰۲/۱۴).

«نظام جمهوری اسلامی، یک حرکت عظیم الهی است. ابعاد این حرکت، به ابعاد مرزهای این کشور محصور نیست. این حرکت، حتی به حصارهای زمان کنونی هم محدود نمی‌شود؛ یک حرکت عظیم تاریخی است. باید طوری باشد که نسل‌های دیگر و ملت‌های مسلمان معاصر ما، از این حرکت درس بگیرند، نیرو به‌دست آورند و راهشان را پیدا کنند.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۶۹/۰۹/۱۴).

«مسائلی وجود دارد که اینها را باید در آفاق صد ساله و صد و پنجاه ساله دید، نه در یک افق محدود پنج ساله و ده ساله و کمتر. اینها همت بلند لازم دارد؛ نگاه بلندهمتانه به مسائل گوناگون. این دانش‌آموز یا این دانشجویی که شما امروز دارید تربیت می‌کنید، چند صباح دیگر یک استاد است، یک مدیر فعال است، یک کارشناس برجسته است، یک عنصر مؤثر در حرکت سیاسی جامعه است؛ چند صباح دیگر این وجود مؤثری در جامعه خواهد بود. این را آن‌جوری تربیت کنید که با این همت بلند بار بیاید.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی

خامنه‌ای (۱۳۹۱/۰۷/۲۰).

« اما انقلاب؛ عرض کردیم پاسداری از انقلاب. انقلاب یک امر مستمر است؛ یک امر دفعی نیست که بگوییم در تاریخ فلان، مثلاً یک حادثه‌ای اتفاق افتاد، یک عده‌ای به خیابان آمدند، ده روز، بیست روز، دو ماه، شش ماه طول کشید و حکومت سرنگون شد؛ انقلاب این است؛ نه، این انقلاب نیست؛ این یک بخشی از انقلاب است. انقلاب یک حقیقت ماندگار و حقیقت دائمی است. انقلاب یعنی دگرگونی؛ دگرگونی‌های عمیق در ظرف شش ماه و یک سال و پنج سال به وجود نمی‌آید؛ علاوه بر اینکه اصلاً دگرگونی و صیروت - یعنی حالی به حالی شدن، تحوّل - اصلاً حدّ یقف ندارد؛ هیچوقت تمام نمی‌شود؛ انقلاب یعنی این. انقلاب یک امر دائمی است.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۹۴/۰۶/۲۵).

آینده‌نگاری (اهداف، تصویرسازی و نقشه راه)

ترسیم آینده مطلوب و درواقع آینده‌نگاری و همچنین تدوین نقشه راه نیز یکی از مؤلفه‌های آینده‌اندیشی از منظر رهبر معظم انقلاب است. آینده مطلوب درواقع همان حیات طیبه و جامعه مهدوی است. هدف اصلی در جمهوری اسلامی درواقع زمینه‌سازی ظهور و رسیدن به آینده مطلوب است. در ادامه برخی از بیانات رهبری در این زمینه آورده شده است.

« انقلاب مراحل دارد؛ آنچه در اوّل انقلاب در سال ۵۷ اتفاق افتاد، مرحله اوّل انقلاب بود یعنی انفجار در مقابل نظام غلط باطل طاغوت و ایجاد یک نظام جدید بر مبنای آرمان‌ها و ارزش‌های نو و با لغت نو، با تعابیر نو، با مفاهیم نو؛ این مرحله اوّل انقلاب بود. بعد در مرحله دوّم، این نظام بایستی ارزش‌ها را محقق کند؛ این ارزش‌ها و آرمان‌هایی که حالا اشاره می‌کنم و بعضی را می‌گویم، باید در جامعه تحقق بیخشد. به این ارزش‌ها اگر بخواهد تحقق بیخشد، یک دستگاه مدیریتی لازم دارد که آن می‌شود دولت انقلابی. بنابراین، مرحله بعد از نظام انقلابی، ایجاد دولت انقلابی است، دولتی که ارکان آن، انقلاب را از بن دندان باور کرده باشند و دنبال انقلاب باشند. بعد که این دولت انقلابی تشکیل شد، آن وقت بایستی به وسیله اجرائیات درست - قانون درست، اجرای درست - این آرمان‌ها و ارزش‌هایی که مطرح شده، این آرزوهای بزرگ انقلابی،

یکی یکی در جامعه تحقق پیدا کنند؛ آن وقت نتیجه می‌شود جامعه انقلابی؛ یک جامعه انقلابی به وجود می‌آید که این مرحله چهارم است. حرکت انقلابی، نظام انقلابی، دولت انقلابی، جامعه انقلابی؛ این چهارم [است]. بعد که جامعه انقلابی درست شد، آن وقت زمینه برای ایجاد تمدن انقلابی و اسلامی به وجود می‌آید. حالا من تعبیر به «انقلابی» کردم؛ به جای کلمه «انقلابی» می‌توانید کلمه «اسلامی» بگذارید؛ یعنی دولت اسلامی، جامعه اسلامی، تمدن اسلامی؛ این مرحله‌ای است که وجود دارد.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۹۷/۰۳/۰۷).

«آنچه که برای یک انسان اهمیت دارد، این است؛ موفقیت در این دنیا، چشم‌انداز خوب و در نهایت چشم‌انداز رضوان الهی و بهشت الهی است... تلاش صادقانه‌ای که به زندگی انسان معنا می‌دهد؛ جهت حرکت انسان را معین می‌کند؛ چشم‌انداز آینده زندگی را به عنوان یک ملت، چشم‌انداز روشن و تابناکی می‌کند و چشم‌انداز سرنوشت نهایی انسان را به عنوان یک فرد، رضوان الهی قرار می‌دهد؛ این جهاد و شهادت اسلام است؛ هیچ چیز جای این را نمی‌گیرد.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۸۵/۰۸/۱۸).

«هدف از همه مبارزاتی که ملت ایران به رهبری امام بزرگوار انجام داد تا انقلاب به پیروزی رسید و همه تلاش‌هایی که بعد از پیروزی انقلاب در این کشور انجام شد، تشکیل حیات طیبه اسلامی بود. تلاش همه دلسوزان بشر و راهنمایان بزرگ انسان و انبیای عظام و اولیا و مجاهدان فی سبیل‌الله در طول تاریخ، این بوده است که این حیات طیبه را برای بشر به وجود آورند.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۶۸/۱۱/۱۲).

«انقلاب اسلامی به وجود آمد تا به ملت ایران، حیات طیبه بدهد. حیات طیبه، یعنی آن چیزی که قرآن می‌فرماید؛ این ثمره و هدف نهایی این انقلاب است.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۷۴/۰۷/۲۲).

حیات طیبه یعنی زندگی گوارا. یک ملت آن وقتی زندگی گوارا دارد که احساس کند و ببیند که دنیا و آخرت او طبق مصلحت او به پیش می‌رود و به سمت هدف‌های او حرکت می‌کند؛ این

زندگی گواراست؛ فقط دنیا نیست، فقط هم آخرت نیست.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۸۳/۰۱/۰۲).

«حیات طیبه یعنی یک ملت، هم از لحاظ مادی و زندگی روزمره و رفاه و امنیت و دانش و سواد و عزت سیاسی و استقلال اقتصادی و رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسان‌های مؤمن و خداشناس و پرهیزکار و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند. این حیات طیبه است.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۷۴/۰۷/۲۲).

«حیات طیبه، یعنی دنیا و آخرت را باهم داشتن. حیات طیبه، یعنی ماده و معنا را باهم داشتن. حیات طیبه، یعنی آن ملتی که تلاش می‌کند، سازندگی می‌کند، صنعت و بازرگانی و کشاورزی را به اوج می‌رساند، قدرت علمی و تکنیکی پیدا می‌کند، پیشرفت‌های گوناگون در همه جهت به دست می‌آورد، اما در همه این حالات، دل او هم با خداست و روزبه‌روز هم با خدا آشناتر می‌شود. این، هدف نظام اسلامی است، این، آن هدفی است که پیامبران علیهم‌السلام اعلام کردند، مصلحان عالم گفتند و در این صد و پنجاه تا دویست سال گذشته، شخصیت‌های برجسته اسلامی آن را اعلام کردند.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۷۰/۰۱/۲۹).

«نسبت به آینده هیچ تردید و نگرانی ندارم. ملت ما به فضل پروردگار خواهد توانست حیات طیبه اسلامی را که دنیا و آخرت و ماده و معنا و علم و عبادت و رفاه در آن جمع شده است، به وجود آورد. اگر توانستیم چنین جامعه و نظامی را تشکیل دهیم، آن روز شکست واقعی را برای دشمنان جهانی اسلام ایجاد کرده‌ایم.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۶۸/۰۴/۱۱ و بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی ۱۳۹۲).

«انقلاب در ذات خود یک حرکت پیش‌رونده است، آن هم پیشرفت پرشتاب. به کجا؟ به سمت هدف‌های ترسیم‌شده. هدف‌ها عوض نمی‌شوند. این اصول و ارزش‌هایی که بر روی آن بایستی ایستادگی کرد و برای آن جان داد، اصول و ارزش‌هایی هستند که در اهداف، مشخص

شده‌اند.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۹۰/۰۴/۱۳).

«هدف نهائی، تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پائین‌تر از آن، انسان‌سازی است؛ هدف پائین‌تر از آن، ایجاد جامعه اسلامی است با همه مشخصات و آثار، که استقرار عدالت در آن باشد، توحید باشد، معنویت باشد.» فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی از دیدگاه رهبری:

«انقلاب آن‌جایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و پایه‌های درستی به‌جای آن گذاشته می‌شود. این قدم اول است... بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن... بعد از آن... نوبت به تشکیل دولت اسلامی به‌معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولت‌مردان... این مرحله سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم... مرحله چهارم... کشور اسلامی است... از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد... ما در مرحله سومیم؛ ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده‌ایم. هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که کشور ما اسلامی است.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۷۹/۰۹/۱۲).

«ما در حال پیشرفت و سازندگی و در حال بنای یک تمدن هستیم. من این را می‌خواهم به شما بگویم: مسئله ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و گلیم خودمان را از آب بکشیم. مسئله این است که ملت ایران - همچنان که شأن اوست - در حال پدیدآوردن یک تمدن است. پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فناوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است... ما در این صراط و در این جهت هستیم. نه اینکه ما تصمیم بگیریم این کار را بکنیم؛ بلکه حرکت تاریخی ملت ایران در حال به‌وجودآوردن آن است.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۷۲/۰۱/۰۱).

«انتظار، به‌معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن و چشم به در دوختن هم نیست؛ انتظار به‌معنای آماده‌شدن است، به‌معنای اقدام کردن است؛ به‌معنای این است که انسان احساس کند عاقبتی وجود دارد که می‌شود به آن دست یافت که برای رسیدن به آن عاقبت بایستی تلاش کند.»

ما که انتظار فرج داریم، انتظار ظهور حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) را داریم، باید در این راه تلاش کنیم؛ باید تلاش کنیم در راه ایجاد جامعه مهدوی؛ هم خودسازی کنیم، هم به قدر توانمان، به قدر امکانمان، دگرسازی کنیم و بتوانیم محیط پیرامونی خود را به هر اندازه‌ای که در وسع و قدرت ماست، به جامعه مهدوی نزدیک کنیم که جامعه مهدوی، جامعه قسط است، جامعه معنویت است، جامعه معرفت است، جامعه برادری و اخوت است، جامعه علم است، جامعه عزت است.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۹۹/۰۱/۲۱).

«دوره ولیعصر (ارواحنا فداه)، دوره آغاز زندگی بشر است، دوره پایان زندگی بشر نیست؛ از آنجا حیات حقیقی انسان، سعادت حقیقی این خانواده عظیم بشری تازه شروع خواهد شد. استفاده از برکات این گره خاکی و استعدادها و انرژی‌های نهفته در این فضا، برای انسان، بدون ضرر، بدون خسارت، بدون نابودی و ضایع کردن ممکن خواهد شد. درست است که امروز بشر از یک چیزی استفاده می‌کند اما به یک چیز دیگری ضرر می‌زند؛ امروز نیروی اتم را کشف می‌کند اما نیروی اتم را برای نابودی انسان به کار می‌برد؛ امروز بشر نفت را از اعماق زمین کشف می‌کند، استخراج می‌کند اما این نفت در راه تضييع و تخریب محیط زیست انسان به کار می‌رود؛ کما اینکه در این صد سال اخیر این جور شده: نیروهای محرکه و انرژی‌های پنهان و قوه بخار و غیره را بشر کشف می‌کند اما از ناحیه این مشکلاتی که زندگی مادی برای انسان‌ها به وجود می‌آورد، انسان‌ها را به انواع و اقسام گرفتاری‌های جسمانی آلوده می‌کند؛ سرعت و سهولت به آنها داده می‌شود اما خیلی چیزها از آنها گرفته می‌شود و از آن طرف [هم] تخریب ارزش‌های اخلاقی است، که انسان امروز دچار آنها است - لکن در دوران ظهور حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) قضیه این جور نیست؛ بشر از خیرات عالم، از انرژی‌های پنهان، از نیروهای نهفته در طبیعت استفاده می‌کند، [اما] استفاده بی‌ضرر، استفاده بی‌خسارت، استفاده‌ای که مایه رشد انسان، مایه پیشرفت انسان است. همه پیغمبرها آمده‌اند ما را به آن نقطه برسانند که زندگی بشر تازه شروع بشود.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای ۱۳۷۹/۱۲/۲۴).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

باتوجه به مطالب اشاره‌شده در این نوشتار و با استفاده از روش مرور بر ادبیات و تحلیل گفتمان و اسناد، بیانات مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار گرفت و چارچوبی برای بحث آینده‌اندیشی از منظر رهبر معظم انقلاب پیشنهاد شد. این چارچوب به پنج بخش کلی: لزوم آینده‌اندیشی، لوازم و زیرساخت‌های آینده‌اندیشی، پیشران‌ها (و موانع)، افق و دامنه آینده‌اندیشی و آینده‌نگاری (اهداف، تصویرسازی و نقشه راه) تقسیم و برای هر بخش باتوجه به بیانات ایشان مؤلفه‌هایی استخراج شد.

درانتها برای بهبود تحقیق حاضر پیشنهاد می‌شود در ابتدا خود چارچوب ارائه‌شده و مؤلفه‌های آن تغییر کرده و با استفاده از روش‌های مختلفی مانند دلفی یا پنل خبرگان، چارچوب مفهومی ارائه‌شده را اعتبارسنجی و براساس آن یک برنامه کلان برای رسیدن به آینده مطلوب ارائه کرد و به‌عنوان یک مبنای جهت‌دهی مطلوبی در سیاست‌گذاری‌ها در زمینه‌های موردنیاز در نظر گرفت.

منابع

- احمدی، محمدرضا (۱۳۸۶)، آینده نظام اسلامی ایران در سند چشم‌انداز بیست‌ساله و تأثیر آن بر انقلاب اسلامی، فصلنامه حصون، شماره ۱۱، قم.
- بنیاد توسعه فردا (۱۳۹۲)، روش‌های آینده‌نگاری تکنولوژی، مترجم گروه آینده‌اندیشی بنیاد توسعه فردا، تهران.
- بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی (۱۳۹۲)، فرایند تحقق اهداف اسلامی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، تهران.
- بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۸)، درآمدی بر تحلیل گفتمان، گفتمان و تحلیل گفتمانی، به اهتمام محمدرضا تاجیک، تهران، فرهنگ گفتمان.
- حیدری، امیرحوشنگ (۱۳۹۲)، مبانی و مفاهیم آینده‌پژوهی، فصلنامه علمی - ترویجی علم.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، انتشارات صهبا، تهران.
- خزایی، سعید و محمودزاده، امیر (۱۳۹۲)، آینده‌پژوهی، اصفهان، پارس ضیاء.
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir>
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نشریه خط حزب‌الله، <https://farsi.khamenei.ir/weekly/>

شکرانی، رضا؛ مطیع، مهدی و صادق‌زادگان، هدی (۱۳۹۰)، بررسی گفتمان کاوری و چگونگی کاربست آن در مطالعات قرآنی، *دوفصلنامه عیار پژوهش در علوم انسانی (پژوهش سابق)*، سال سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، شماره یک، قم.

شیداییان، حسین (۱۳۸۶)، الزامات آینده انقلاب اسلامی از نگاه امام خمینی ره و مقام معظم رهبری، *فصلنامه حصون*، شماره ۱۱، قم.

شیرودی، مرتضی (۱۳۸۶)، انقلاب اسلامی و چیستی نظام آینده جهان، *فصلنامه حصون*، شماره ۱۱، قم. عضدانلو، حمید (۱۳۹۲)، *گفتمان و جامعه*، تهران: نشر نی.

عقبلی، وجید و لطفی حقیقت، امیر (۱۳۸۹)، کاربرد روش تحلیل گفتمان در علوم رفتاری. فان دایک، تون آدریانوس (۱۳۹۰)، *مطالعاتی در تحلیل گفتمان (از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی)*، ترجمه پیروز ایزدی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

فرکلاف، نورمن (۱۳۹۹)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، ترجمه روح الله قاسمی، تهران: انتشارات اندیشه احسان.

لطفی مرزناکی، رحمان (۱۳۹۴)، *دفاع هوشمند در اندیشه امام خامنه‌ای*، تهران: انتشارات آوای صبحان. مقیسه، رضا؛ مؤمنی زاهد، مهرداد؛ مقرونی، محمد و یوسفی، صادق (۱۳۹۲)، *الگوی تفکر و نگاه راهبردی برای آینده‌سازی در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله العالی)*، دومین همایش ملی آینده‌پژوهی، تهران،

<https://civilica.com/doc/242245>

مک دانل، دایان (۱۳۸۰)، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*، ترجمه حسینعلی نودری، تهران: فرهنگ گفتمان.

نبی‌پور، ایرج (۱۳۹۰)، *آینده‌نگاری فناوری*، بوشهر، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی بوشهر.

Designing a Conceptual Framework for Futurism from the Viewpoints of the Supreme Leader of the Islamic Revolution, Ayatollah Khamenei

Behnam Eftari *, Omid Voghofi **

Abstract

Paying special attention to future is one of the needs of all human beings and societies. As Muslims, and according to the related verses of the Holy Qur'an and hadiths, we have clear definitions of the utopia believing that the utopia of Islam is the Pure Life (Hayat Tayyebah) and the Mahdavi community. According to the beliefs of Muslims, especially Shiites, the main task of a Shiite is to prepare oneself and the society for such a utopia. This obvious and promised future can be created and attained. During the era of the Great Absence of the Twelfth Imam, Velayat-e-Faqih is supposed to lead the society towards paving the way for the emergence of the Twelfth Imam. By drawing a roadmap for achieving such a goal, the Supreme Leader has proposed five main stages including the Islamic Revolution, the Islamic system, the Islamic state, the Islamic society, and the modern Islamic civilization. In this research, the statements of the Supreme Leader on futurism are reviewed and a conceptual framework is presented to explain futurism from his viewpoints. The framework includes various components such as requirements, infrastructures, drivers and obstacles, long-term perspective and extensive scope and introducing Hayat Tayyebah and the Mahdavi society. Each of these components contain items and topics needing more focus and attention to be identified.

Keywords: Futurism, futures study, modern Islamic civilization, Velayat-e-Faqih, Islam.

* Corresponding author: PhD candidate in futures study, Imam Hussein University, Tehran, Iran

** Assistant professor at the Department of Futures Study, Center for Observation and Futures Study, Imam Hussein Comprehensive University, Tehran, Iran